



یادداشت

ناصر ترابی، کارشناس مسائل دفاعی و نظامی

فاز تازه بازآرایی نیروهای مسلح

در ادامه موج تغییرات هدفمند در سطح فرماندهان نظامی، پس از جابه‌جایی در نیروی زمینی ارتش، روز گذشته شاهد تغییر فرمانده نیروی پدافند ارتش بودیم؛ جایی که سرتیپ الهامی جایگزین امیر سرتیپ علیرضا صباچی فرد شد. این تحولات اگرچه در نگاه نخست می‌تواند یک تغییر معمول سازمانی تلقی شود، اما در واقع باید آن را در چارچوبی بزرگ‌تر و راهبردی‌تر تحلیل کرد.

واقعیت این است که هر سیستم عاقلی، پس از مواجهه با حوادث و تنش‌های امنیتی، ناگزیر به سمت آسیب‌شناسی حرکت می‌کند؛ شناخت دقیق نقاط ضعف و قوت، بررسی فرصت‌ها و تهدیدها و سپس طراحی دوباره بر اساس این ارزیابی‌ها انجام می‌گیرد. نظام جمهوری اسلامی و مجموعه نظامی، امنیتی کشور نیز از این قاعده مستثنا نیست. این تغییرات دقیقاً محصول همین نگاه عقلانی و تجربه‌محور است.

تغییر در سطح فرماندهی نیروهای مسلح امری طبیعی و دارای پیشینه در جمهوری اسلامی است و در طول سال‌ها بارها اتفاق افتاده؛ اما آنچه تغییرات اخیر را برجسته و معنادار می‌کند، چند واقعیت اساسی است؛ نخست آنکه در مقطع اخیر، تعدادی از فرماندهان برجسته کشور را در مسیر جهاد و شهادت از دست داده‌ایم، دوم آنکه شرایط جدید منطقه‌ای و بین‌المللی اقتضا می‌کند برخی جابه‌جایی‌ها با هدف تزریق انگیزه، جوان‌گرایی، ورود ایده‌های نو و طراحی راهبردهای تازه انجام شود. فرماندهان وارد گود شده، با ذهن‌های تازه و رویکردهای عملیاتی‌تر می‌توانند نسبت به دشمن طراحی جدید داشته باشند؛ طراحی‌ای که مبتنی بر غافلگیری، ابهام‌آفرینی و برهم زدن محاسبات طرف مقابل است. نمونه عینی این مسئله را امروز در حزب‌الله لبنان می‌بینیم؛ جایی که رژیم صهیونیستی در برابر فرماندهان جدید دچار سردرگمی اطلاعاتی شده و زمان نیاز دارد تا حتی به شناخت اولیه‌ای از این چهره‌ها برسد؛ آن هم اگر اساساً موفق شود.

این تغییرات محصول تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سطوح عالی نظام است؛ تصمیمی متناسب با شرایط منطقه و حتی جهان که آستان حوادث و تحولات خاصی است. افزایش سرعت و حجم این جابه‌جایی‌ها نیز نشان می‌دهد نظام به یک جمع‌بندی روشن رسیده و وارد فاز جدیدی از بازآرایی قدرت شده است. نکته کلیدی‌تر اما تغییر رویکرد کلی نظامی کشور است. جمهوری اسلامی به این تجربه رسیده که صرفاً با رویکرد پدافندی و واکنشی نمی‌توان در میدان تقابل ماند. امروز نیاز، حرکت به سمت تهاجمی و آفندی است؛ رویکردی که دشمن را وادار به تجدیدنظر در محاسباتش کند.

همان نکته‌ای که رهبر معظم انقلاب پیش از جنگ‌ها و تنش‌ها بر آن تأکید فرمودند؛ باید محاسبات دشمن را به هم زد. اکنون این راهبرد در حال عبثیت یافتن است؛ چه با تغییر فرماندهان، چه با ورود نیروهای عملیاتی‌تر و چه با خروج تدریجی از فضای انفعال. این پیام به‌وضوح به دشمن منتقل شده است. همان‌طور که آن‌ها نیز در سوی مقابل، دست به تغییرات مشابه زده‌اند؛ از تحولات در ساختار نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی گرفته تا تغییرات در آمریکا، ناتو و حتی روسیه. واقعیت این است که در شرایط تخاصم و تنش، هیچ واحد سیاسی‌ای نمی‌تواند با ساختار ثابت و رویکردهای کهنه ادامه دهد.

این یک قاعده پذیرفته شده در دنیای قدرت است و باید خود را به‌روز کرد. به باور نگارنده، این تغییرات نباید صرفاً در سطح افراد متوقف بماند؛ بلکه باید در حوزه سیاست‌گذاری، راهبرد، خط مشی و حتی سطوح پایین‌تر مدیریتی نیز امتداد پیدا کند تا اثرگذاری واقعی خود را نشان دهد.

خبر

کمتر از چهار ماه پس از پزشکیان این بار عراقچی راهی بلاروس شد

توسعه همکاری‌های منطقه‌ای در ایستگاه مینسک

سیاسی | در کمتر از چهار ماه پس از سفر مسعود پزشکیان به بلاروس، روز گذشته وزیر امور خارجه ضمن حضور در مینسک با مقامات ارشد این پایتخت دیدار کرد؛ سفری که به نظر بیش از هر چیز باید آن را در راستای پیگیری چشم‌انداز ترسیم شده برای توسعه مناسبات طرفین در سفر رئیس جمهور تعبیر کرد. بر این اساس الکساندر لوکاشنکو، رئیس جمهور بلاروس در دیدار با سیدعباس عراقچی با اشاره به روابط بسیار خوب تهران و مینسک، بر آمادگی کشورش برای توسعه و گسترش روابط در همه حوزه‌های مورد علاقه طرفین به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و تجاری تأکید کرد.

عراقچی همچنین با ماکسیم ریزنکوف همتای بلاروسی خود دیدار کرد و در پایان، سه‌سند همکاری از جمله «اعلام همکاری دو کشور در مقابله با تحریم‌های یکجانبه»، «اعلامیه مشترک ایران و بلاروس در زمینه همکاری تحکیم حقوق بین‌الملل» و «برنامه رایزنی‌های سیاسی وزارت‌خانه‌های دو کشور» میان وزیران خارجه امضا شد. این نخستین سفر رسمی دوجانبه عراقچی به بلاروس پس از تصدی وزارت امور خارجه است. البته وی پیش‌تر مسعود پزشکیان را در سفر به مینسک همراهی کرده بود. رئیس‌جمهور ۲۸ مرداد به بلاروس رفت، اقدامی که پس از ۱۸سال در سطح ریاست جمهوری انجام می‌شد. در آن مقطع در حضور رؤسای جمهور دو کشور، ۱۲ سند همکاری به امضا رسید. پزشکیان همچنین تأکید کرده‌بود نقشه راه جامع همکاری‌های دو کشور (۲۰۲۳ تا ۲۰۲۶) چارچوب روشنی برای مناسبات ترسیم کرده‌است و تلاش تهران بر اجرای کامل آن خواهد بود؛ موضوعی که می‌توان سفر عراقچی به مینسک را در همین زمینه و پیگیری تصمیم‌های اتخاذ‌شده قبلی ارزیابی کرد.

میراحمد رضا مشرف | حمله مسلحانه روز یکشنبه در

ساحل بوندای در شهر سیدنی که هنگام برگزاری جشن «حنوکا» توسط جامعه یهودیان استرالیا رخ داد، شوک بزرگی به دولت و مردم این کشور وارد کرده‌است. روایت‌های مختلفی در مورد تعداد تلفات و زخمی‌ها وجود دارد، ولی برخی منابع از حدود ۱۶ تا ۲۰ کشته و بیش از ۴۰ زخمی در جریان این تیراندازی خبر داده‌اند. در مورد هویت افراد تیرانداز نیز از پدر و پرسی پنجاه و بیست و چهار ساله نام برده شده‌که برخی منابع هویت آنان را پاکستانی ذکر کرده‌اند. با این حال هر دو شهروند استرالیایی هستند که تیرانداز جوان‌تر یعنی پسر، حتی در استرالیا به دنیا آمده‌است.

اما در شرایطی که این اقدام از طرف بسیاری از کشورها به حمله جمهوری اسلامی ایران به شدت محکوم شده‌است، حاشیه‌های مهمی به خصوص از طرف رژیم صهیونیستی درباره این اقدام به وجود آمده است. در یک نگاه اجمالی به این رخداد و حاشیه‌های ذکر شده در رابطه با آن می‌توان به چند نکته مهم اشاره کرد.

■ تلاش برای متهم کردن ایران و حزب‌الله

از زمان وقوع تیراندازی تروریستی در ساحل بوندای سیدنی و مشخص شدن هویت تیراندازان، تحقیقات پلیس استرالیا برای کشف انگیزه این پدر و پسر و ارتباط احتمالی آن‌ها با شبکه‌های گسترده‌تر آغاز شده‌است. اگرچه در ابتدای امر، اطلاعاتی ضد و نقیض در این زمینه منتشر و حتی از کشف پرچم داعش در وسیله نقلیه آن‌ها خبررسانی شد، اما آخرین اطلاعات رسمی منتشر شده، به ویژه از جانب شخص نخست وزیر استرالیا، حکایت از آن دارد که مهاجمان به تنهایی عمل کرده و هیچ مدرکی از ارتباط این دونفر با گروه‌ها و تشکل‌های بزرگ‌تر یا ارتباط آن‌ها با عوامل خارجی بدست نیامده‌است. البته نخست‌وزیر استرالیا وضوح و تأثیر انگیزه افراط‌گرایی در این اقدام را مورد تأیید قرار می‌دهد.

در همان ساعات اولیه تیراندازی و در شرایطی که هنوز هیچ گونه اطلاعات دقیقی وجود نداشت، مقامات تل آویو به خصوص شخص نتانیاهو و به همراه آن‌ها برخی رسانه‌های غربی تلاش گسترده‌ای را برای انتساب این اقدام به تهران و حزب‌الله آغاز کردند. این منابع مصاحبه‌های بی‌نام و نشانی از مقام‌های

گزارش خبری

سرویس سیاسی | در ادامه نقش آفرینی مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌عنوان مهرهای جهت‌دهنده به فشارها علیه ایران، رافائل گروسی فردی که حتی حاضر به محکوم کردن لفظی تهاجم مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه تأسیسات هسته‌ای کشورمان هم نشد، دوباره آتش بیار معرکه شده و از این گله کرده که بازرسان این نهاد به تأسیسات کلیدی جمهوری اسلامی دسترسی ندارند و این مسئله‌ای است که برای جامعه جهانی نگران‌کننده است؛ مدیر کل آژانس اگرچه مدعی بازگشت بازرسان این نهاد نظارتی سازمان ملل متحد به ایران شد اما ادامه داد: این مهم‌ترین مسئله‌ای است که در حال حاضر با آن مواجه هستیم، توانسته‌ایم بازرسی‌ها را از سر بگیریم، اما بازرسی بسیار محدود است و ماقط اجازه دسترسی به تأسیساتی را داریم که مورد حمله قرار نگرفته‌اند. گروسی چهارشنبه ۲۱ آبان نیز درباره برنامه هسته‌ای ایران گفته بود: جمهوری اسلامی به بازرسان اجازه نداده به تأسیسات هسته‌ای اش که اسرائیل و آمریکا آن‌ها را بمباران کرده‌اند، دسترسی پیدا کنند. عدم دسترسی آژانس به این مواد هسته‌ای به مدت پنج ماهه این معناست که راستی آزمایی مدت‌هاست به تعویق افتاده‌است.

■ آژانس در جایگاه متهم است نه مدعی

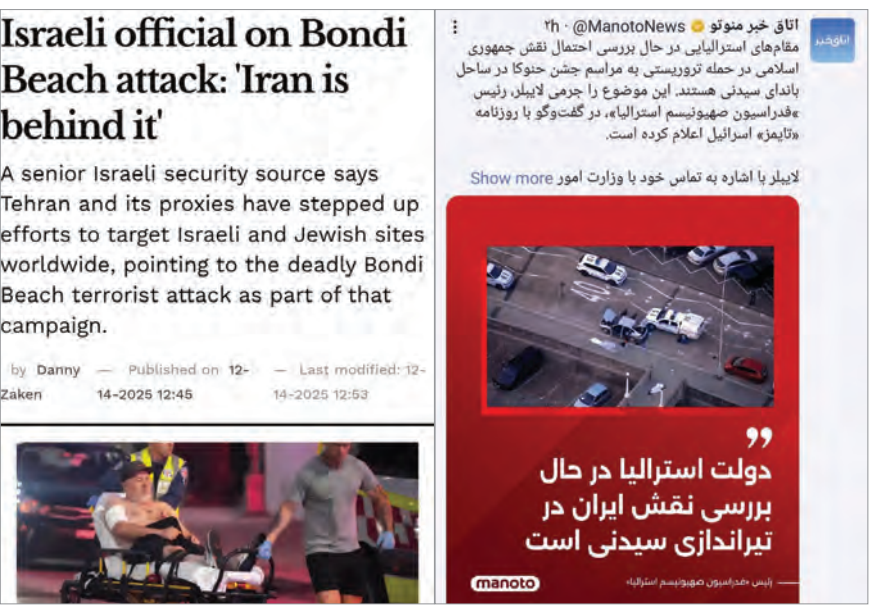
اظهارات تازه گروسی البته به سرعت واکنش رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان را به دنبال داشت، جایی که محمد اسلامی تأکید کرد آژانس حق ندارد ادعای

گزارش تحلیلی

تهران تکرار ادعای واهی درباره جزایر ایرانی در بیانیه پایانی سفر مقام ارشد پکن به ابوظبی را محکوم کرد

بررسی دلایل و انگیزه‌های رژیم اسرائیل در بین‌المللی کردن حادثه سیدنی

ماهی گیری تل آویو از آب گل آلود علیه ایران



اسرائیلی منتشر کردند که بدون هیچ گونه سند و دلیل سعی داشتند پیوندی میان این حادثه و ایران و حزب‌الله برقرار کنند. به‌عنوان نمونه، یورونیوز در یک جهت‌گیری آشکار این حمله را موجب گسترش نگرانی‌ها در باره فعالیت‌های برون مرزی تهران علیه یهودیان ارزیابی می‌کند. رسانه انگلیسی تلگراف نیز به نقل از منابع اطلاعاتی اسرائیل، تأکید می‌کند جهت‌دهی، طراحی و زیرساخت این حملات به تهران بازمی‌گردد. نتانیاهو هم در نامه‌ای بسیار تند و تیز خطاب به نخست‌وزیر استرالیا

به هشدار خود در مورد امکان وقوع چنین حوادث تروریستی در استرالیا و اهمال دولت استرالیا در انجام اقدام بازدارنده اشاره می‌کند. جالب است که در میان این اتهام‌های بی‌سند و مدرک، رد پای برخی اعترافات هم مشاهده می‌شود، چنان

که رئیس پیشین بخش ایران در سازمان اطلاعات ارتش رژیم صهیونیستی اعتراف می‌کند نمی‌توان نقش گروه‌هایی چون

القاعده و داعش را هم رد کرد؛ چرا که آن‌ها پیش از این هم در استرالیا فعال بوده‌اند.

گروسی؛ آتش بیار معرکه فشار بر ایران

بازرسی از مراکز مورد حمله قرار گرفته شده را داشته باشد. وی با بیان اینکه باید برای بازرسی آژانس از مراکز هسته‌ای که مورد حمله قرار گرفتند پروتکل وجود داشته باشد تا اجازه این کار داده شود، تصریح کرد: آژانس که نه حملات را محکوم کرده و نه دستورالعملی برای این شرایط دارد حق ندارد ادعای بازرسی داشته باشد. مدیرکل باید به دنیا پاسخ دهد چون ممکن است برای هر کشوری اتفاق بیفتد. تأسیسات هسته‌ای ما زیر نظارت آژانس بوده و آژانس باید جواب دهد چرا حملات را محکوم نکرده و برای سایت‌های هسته‌ای که مورد حمله قرار می‌گیرند چه دستورالعمل و پروتکلی دارد. از سوی دیگر به‌روز کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی هم با بیان اینکه در حال حاضر بازرسی نداریم، عنوان کرد: بازرسی‌هایی که در چند وقت انجام شده با اجازه شورای عالی امنیت ملی بر اساس قانون تعلیق همکاری‌ها با آژانس صورت گرفته که همه آنان مربوط به بحث‌های صنعتی بوده که مورد حمله واقع نشده‌است. وی تصریح کرد: در خصوص مراکزی که مورد حمله واقع شده باید حتماً دابیری اندیشیده شود. نکته مهمی که وجود دارد این است که در توافق پادمان برای شرایط جنگی چیزی درج نشده و حتماً باید در این زمینه توافق شود. وقتی چنین شرایطی وجود دارد، امنیت مهم‌ترین موضوع می‌شود. باید با نگاه امنیتی به موضوع در این رابطه مذاکره کنیم، ما را تحت فشار می‌گذارند که زودتر دسترسی دهیم ولی امنیت کشور و تأسیسات هسته‌ای ایجاب می‌کند که کار حساب شده و بر اساس قانون و اطمینان از اینکه خطری متوجه تأسیسات نخواهد شد، تصمیم گرفته شود.

■ خیزش افراط‌گرایی از بطن رژیم صهیونیستی

البته تلاش‌های مقامات صهیونیستی برای تقویت جنبه بین‌المللی این حادثه در چند بُعد می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد؛ نخست اعمال فشار بیشتر بر تهران و حزب‌الله در سطح بین‌المللی و احتمالاً فراهم کردن زمینه تحركات جدید سیاسی و نظامی، دوم اثرگذاری بیشتر و پایدارتر بر روابط ایران و استرالیا؛ کما اینکه این روابط با ادعاهایی مشابه و انتقال یافته از سوی منابع اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، از چندی پیش به تنش کشیده شده و قطع روابط دیپلماتیک انجامیده‌است. اما در وجه سوم، همان‌طور که نتانیاهو در نامه خود به نخست‌وزیر استرالیا یادآوری می‌کند، این مداخله و اعمال فشار با هدف تغییر نظر و مواضع مقامات کانبرا در مورد به رسمیت شناختن کشور فلسطین انجام می‌گیرد.

رژیم صهیونیستی به طور معمول از این اتفاق‌ها و یا حتی خلق آن‌ها، برای فشار بر جوامع مسلمانان و متهم کردن آن‌ها به افراط‌گرایی بهره می‌گیرد. اما حداقل در این مورد خاص به نظر می‌رسد تیر صهیونیست‌ها به سنگ خورده‌است؛ چرا که حرکت شجاعانه یک مسلمان استرالیایی در متوقف کردن یکی از مهاجمان به شدت مورد توجه و تشویق قرار گرفته و مانع آن شده که صهیونیست‌ها کل جامعه مسلمانان استرالیا را هدف قرار دهند.

در ارتباط با ایدئولوژی افراط‌گرایانه این حرکت که نخست وزیر استرالیا بر آن تأکید کرده‌است، باید پیش و بیش از همه به دنبال انگیزه پیدایش چنین حرکاتی بود. دیدگاه‌های افراط‌گرایانه دولت نتانیاهو در قبال مسلمانان به ویژه در مسئله فلسطین که اساساً پذیرش کشوری با چنین نامی را رد می‌کند، به طور قطع در ایجاد چنین تحركاتی مؤثر بوده‌است.

این باوری است که حتی در سرزمین‌های اشغالی و در میان شهروندان یهودی وجود دارد. در همین راستاد مجلسی که چندی پیش در سرزمین‌های اشغالی و به مناسبت سالگرد قتل اسحاق رابین به دست افراط‌گرایان یهودی برگزار شد، یائید لاپید، رهبر اپوزیسیون به صراحت اعلام کرد دولت کنونی با نام یهودیت، خشونت را ترویج می‌کند. بنابراین اگر در جست‌وجوی ریشه افراط‌گرایی هستیم، باید آن را در تل آویو جست‌وجو کنیم، نه در سیدنی و یا هر جایی دیگر.

مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مدعی شد بازرسی‌ها آغاز شده اما آن‌ها هنوز به تأسیسات کلیدی جمهوری اسلامی دسترسی ندارند

گروسی؛ آتش بیار معرکه فشار بر ایران

پیش از این هم اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه درباره نوع تعاملات با آژانس گفته بود: هفته گذشته بازرسان آژانس از چند مرکز هسته‌ای ایران بازدید کردند از جمله راکتور تحقیقاتی تهران و در رابطه با سایر تأسیسات هسته‌ای هم رویه و مقررات مربوطه روشن است. براساس قانون مصوب مجلس موظفیم درباره هر گونه درخواست آژانس برای بازرسی از تأسیسات هسته‌ای پس از هماهنگی با شورای عالی امنیت ملی تصمیم بگیریم. وی افزود: ما به دلیل اقدام تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی و آمریکا با شرایط خاصی مواجهیم و این را آژانس باید درک کند. این شرایط عادی نیست و ما پیش از تجاوز نظامی اخیر به صورت متعارف با آژانس همکاری داشتیم و پس از توافق قاهره برای همکاری در شرایط جدید به تفاهم دست یافتیم، اما موج تازه گروسی علیه ایران در شرایطی است که «یادوی کاخ سفید» اخیراً هم در گفت‌وگو با یک رسانه از آنتنیتی ادعا کرده‌خایر اورانیوم ایران پس از حملات آمریکا و اسرائیل «ناپود نشده» و تهران همچنان «۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی» در اختیار دارد. وی در ادامه بدون توجه به سیاسی‌کاری‌های پیشین خود- که به بهانه‌سازی حملات اسرائیل علیه ایران و جان باختن بیش از هزار نفر از ایرانیان منجر شد- گفته بازرس باید بر اساس چارچوب توافق جدید، فعالیت خود را از سر بگیرند. با این اوصاف سخنان و اتهام‌پرانی چندباره گروسی علیه کشورمان را باید عملاً ادامه همان پروژه‌ای تعبیر کرد که هدف آن ایجاد تردید، تولید ابهام و باز نگه داشتن دست غرب برای فشارهای بعدی بر ایران است.

تهران تکرار ادعای واهی درباره جزایر ایرانی در بیانیه پایانی سفر مقام ارشد پکن به ابوظبی را محکوم کرد

موج‌سواری حقوقی امارات در وسط بازی سیاسی چین

خود را بر منافع ملی و سرزمینی قرار داده‌اند نه بر محور مقاومت، جمهوری اسلامی با تحولات منطقه‌ای دیگر، وی تصریح کرد: رقابت سنگین و پایاپای میان چین، آمریکا و روسیه در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی وجود دارد و هر کشور تلاشی می‌کند جایگاه خود را ارتقا دهد. امارات نیز در چند سال اخیر با افزایش نفوذ اقتصادی، بازیگری سیاسی هم پیدا کرده‌است؛ از سودان گرفته تا سوریه و فلسطین رد پای امارات مشهود است. چین نیز همواره در پی حفظ برتری اقتصادی و ثبات خود در جهان است و روابط گسترده‌ای با تمام کشورها از جمله آمریکا دارد. حتی بسیاری از قطعات شرکت‌های بزرگ آمریکایی در چین ساخته یا تحت لیسانس تولید می‌شوند. این نشان می‌دهد عرصه‌های اقتصادی و سیاسی در جهان امروز دو یار جدایی‌ناپذیر هستند. این کارشناس با اشاره به نقش ایران در این معادلات گفت: ایران کشوری باتمدن و اصالت چند هزار ساله است. امارات و برخی کشورهای منطقه توجه از مسائل حقوقی سوءاستفاده می‌کنند، اما ایران با توجه به مصالح خود، مدارا و دیپلماسی را رعایت می‌کند.

امارات به‌واسطه سکوی تجاری که برای تخلیه و بارگیری کالاهای ایران فراهم می‌کند، این فرصت را دارد که بعضاً تحركاتی انجام دهد؛ اما این احترام‌مداری تهران حد‌ومرز دارد و سیاستمداران و دستگاه‌های امنیتی باید برای مقابله با سوءاستفاده‌های حقوقی و سیاسی ابوظبی راهکارهای مناسب اتخاذ کنند. با توجه به پیشینه روشن ایران و جایگاه منطقه‌ای ایران، کشورهای حاشیه خلیج فارس در نهایت قادر به اعمال فشار جدی بر ایران نیستند و این تحركات بیشتر حواس‌پرتی ایجاد می‌کند تا تهدید واقعی.

دکتر سیدمحمدتقی آقاییان، کارشناس مسائل راهبردی و بین‌الملل نیز با نگاهی تحلیلی به نقش چین و امارات در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی منطقه و جهان، تأکید کرد: چین و امارات هم در آسیا و هم در سطح جهان فعالیت اقتصادی گسترده‌ای دارند و نمی‌توان گفت روابط اقتصادی یک کشور با دیگران باید تابع اختلافات سیاسی باشد. این کشورها، تمرکز اصلی



■ **ضرورت اتخاذ موضع قاطع مقابل ابوظبی**